

## پیشینه پژوهش و مرور سیستمی ادبیات علمی (۱) پیشنهاداتی برای دستور کار دانشکده‌ها، موسسات پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی اصول و مبانی

کیومرث اشتریان □

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

راضیه امامی مبینی

دکترای سیاستگذاری عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۵ - تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۵)

چکیده:

در این مقاله، هدف نشان دادن اهمیت و اصول پیشینه پژوهش است و معتقدیم در ورای صورت ساده پیشینه پژوهش، نکاتی ظریف نهفته است که بخشی مهم از جان پژوهش را تشکیل می‌دهد. پیشینه پژوهش نوعی مستندسازی انتقادی درباره پژوهش‌های انجام شده است و بر این بنیان معرفتی استوار است که شناخت، امری بین‌الذہانی است. وضعیت کنونی ادبیات علمی در ایران به گونه‌ای است که اطلاع‌رسانی به پژوهشگران از جدیدترین دستاوردهای علمی در جهان و نیز از کارهای انجام شده در کشور ضرورتی اساسی است. اطلاع از آنها می‌تواند ما را از دوباره‌کاری‌ها حذر دهد و تلاش‌های علمی را صرف کارهای کاملاً جدید و پیشبرد مرزهای علم کند. از این رو، باید فعالیت‌های پژوهشی مستقل تحت عنوان مرور ادبیات علمی در دستورکار مراکز پژوهشی و دانشکده‌های ما بویژه پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد قرار گیرد. در واقع، یکی از اهداف اصلی ما توجه نظری و روش‌شناسی این اقدام در دانشگاه‌های ایران است.

واژگان کلیدی:

مرور ادبیات، پیشینه پژوهش، روش پژوهش، برنامه پژوهشی، موسسات پژوهشی

## مقدمه

این مقاله، مطالعه اکتشافی - تحلیلی پیشینه پژوهش یا مرور ادبیات پژوهش و مرور سیستمی نوشته‌های علمی است.<sup>۱</sup> پیشینه پژوهش، مرور ادبیات پژوهش یا مرور سیستمی نوشته‌های علمی اصطلاحاتی متفاوت هستند که در این مقاله برای بحث از موضوعی واحد به کار گرفته می‌شوند. فعالیت علمی بشری درباره موضوعات مختلف دامنه ای وسیع دارد و معمولاً بسیاری از پرسش‌هایی که در مقام پژوهشگر با آن مواجه هستیم پیشتر مورد توجه دیگران نیز بوده و درباره آنها به تحقیق و تفحص علمی پرداخته‌اند. باید توجه داشت که نه در خلاء به سر می‌بریم و نه در ابتدای تاریخ قرار گرفته‌ایم. پیش و بیش از ما، پیشینیان گام‌هایی برداشته و پله‌هایی را کار گذاشته‌اند. نخست باید گام‌ها را شناخت؛ پله‌ها را شمرد و سپس آنها را تکیه‌گاه قرار داد و از پله‌ها بالا رفت تا نوبت ما برای ساختن پلکان بعدی فرا رسد.

این سخن بدان معنا نیست که به خلاصه نویسی از کارهای پیشینیان بسنده کنیم؛ بلکه منظور آن است که ابتدا باید نقش آفرینی‌های دیگران را با نگاهی تکاملی، انتقادی و ترکیبی بازشناسی کرد. برخی از دانشجویان تصور می‌کنند تحقیق یعنی، جستجو در باره موضوعی که در کتاب‌ها یا مقالات راجع به آن چیزی نوشته شده است. یا اینکه کسب اطلاعات عمومی و ارتقاء آگاهی شخصی خود را نسبت به آنچه که دیگران گفته‌اند؛ تحقیق و پژوهش می‌پندارند. چه بسا نوشته‌هایی در پایان هر نیمسال بوسیله دانشجویان ارائه می‌شود که صرفاً خلاصه‌ای از کتابها یا مقالات است و تنها نشان دهنده افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی دانشجویان است. در حالی که این نوشته‌های موسوم به "کارهای تحقیقی" فقط شکلی بسیار ساده از پیشینه پژوهش است. پیشینه پژوهش در ساده‌ترین شکل خود در برگیرنده خلاصه‌ای اجمالی از کتاب‌ها و مقالاتی است که تاکنون درباره پرسش مورد نظر نگاشته شده است.

این مقاله در پی نشان دادن اهمیت و روش نگارش پیشینه پژوهش با روشی اکتشافی - تحلیلی است. نگارندگان بر این باورند که در ورای صورت ساده پیشینه پژوهش ارزش‌های بسیار نهفته است که بخشی مهم از جان پژوهش را تشکیل می‌دهد. پیشینه پژوهش نوعی مستندسازی انتقادی در خصوص پژوهش‌های انجام شده است و بر این بنیان معرفتی استوار است که شناخت، روندی تعاملی، جوششی متقابل و امری بین‌الذلهانی است.

اطلاع رسانی از جدیدترین دستاوردهای علمی در جهان و نیز از کارهای انجام شده در کشور برای جلوگیری از دوباره کاری‌ها و تقویت یافته‌های پیشین ضرورتی اساسی است.

<sup>۱</sup>. طرح اولیه این مقاله در کلاس‌های روش تحقیق در دو دوره کارشناسی ارشد و دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران شکل گرفته و توسعه یافته است.

اطلاع از این گونه امور می‌تواند تلاش‌های علمی را صرف کارهای جدید و پیشبرد مرزهای علم کند. از این رو به نظر می‌رسد که باید فعالیت‌های پژوهشی ویژه تحت عنوان پیشینه پژوهش یا مرور ادبیات علمی در دستورکار مراکز پژوهشی و دانشکده‌ها قرار گیرد. بویژه پیشنهاد آن است که این امر باید به طور مشخص در دستور کار پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد قرار گیرد. در واقع یکی از اهداف اصلی این مقاله توجیه نظری و روش‌شناختی این اقدام در دانشگاه‌های ایران است.

در حوزه روش تحقیق، نزدیک به چهارصد کتاب اعم از ترجمه و تالیف به زبان فارسی منتشر شده است که می‌توان محتوای آنها را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. معرفت‌شناسی؛ ۲. روش‌های کمی و کیفی تحقیق؛ ۳. اصول و فنون نگارش علمی.

دسته اخیر اغلب به آموزش نحوه نگارش پایان‌نامه پرداخته و آن را گام به گام با همه جزئیات برای دانشجویان تازه کار توضیح داده‌اند. پرداختن به "سابقه پژوهش" یا "بررسی متون موجود" بیشتر در این دسته به چشم می‌خورد و کمتر کتابی از دسته‌های اول و دوم به آن توجه کرده است. برخی از کتاب‌ها در حد یک تا چند صفحه به پیشینه پژوهش اشاره کرده و ضرورت بررسی انتقادی پژوهش‌های انجام شده برای نشان دادن جریان انباشتی دانش، سهم پژوهشگر فعلی در آن و پرکردن خلأیی که وی به دنبال آن است را متذکر شده‌اند (برای نمونه نک. سریع‌القلم، ۱۳۸۱؛ نک زارع، ۱۳۷۵؛ عندلیب، ۱۳۸۱؛ حکمتی و قاسمی، ۱۳۸۵). برخی دیگر با تفصیل بیشتر به اهمیت و چگونگی نگارش سابقه پژوهش پرداخته و یک فصل از کتاب را بدان اختصاص داده‌اند (برای نمونه نک. دلاور، ۱۳۷۶؛ خورشیدی و قریشی، ۱۳۸۶؛ خاکی، ۱۳۸۶؛ طیبی، ملکی و دلگشایی، ۱۳۸۸). در این میان، پریخ و فتاحی با تمرکز بر پیشینه پژوهش به تالیف راهنمایی برای نگارش آن مبادرت کرده‌اند که به نظر می‌رسد تنها کتاب مستقل فارسی در باره سابقه پژوهش باشد (پریخ و فتاحی، ۱۳۸۴). این کتاب‌ها مانند مقاله حاضر جنبه آموزشی داشته و محتوایی مشابه دارند؛ گرچه ممکن است از واژگان و عبارات متفاوت استفاده کرده باشند. نگارش پیشینه پژوهش، روالی مشخص و مورد اجماع دارد که در آثار فوق و مقاله پیش رو به آن پرداخته شده است. آنچه این مقاله را از نمونه‌های مشابه متمایز می‌کند تاکید بر ضرورت انجام پیشینه پژوهش به مثابه کار تحقیقی مستقل (نه قسمتی از پژوهشی دیگر مثل یک فصل از پایان‌نامه یا بخش اولیه یک مقاله) و گنجاندن آن در برنامه‌های پژوهشی واحد (دپارتمان)‌های علمی و تحقیقاتی است. سهم دیگر ما در توسعه ادبیات پیشینه پژوهش در کشور، پرداختن به مرور سیستماتیک به منزله یکی از شیوه‌های نگارش سابقه پژوهش است.

## تعاریف

پیشینه پژوهش یا مرور ادبیات علمی عبارت است از مستند سازی، جمع‌آوری، تلخیص و مقابله انتقادی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی یک پژوهش. پیشینه پژوهش، خلاصه نویسی است اما خلاصه نویسی اساسی، هدفمند، انتقادی و ترکیبی. اساسی است از آن رو که مهم ترین بُعد یک نوشته و اصلی ترین دستاورد یک مقاله یا کتاب را هدف قرار می‌دهد. یعنی، نظر محوری، استدلال‌های اصلی، داده‌ها و نتایج اساسی اثر را بازگو می‌کند. باید توجه داشت که هر مقاله علمی معمولاً نظری محوری دارد و کشکولی از اطلاعات و نظرات نیست؛ یا نباید باشد. لذا پژوهشگر باید با دقت تمام (و اگر تازه‌کار است با مطالعه چندباره) نظر محوری یا به عبارتی لب مطلب و جان کلام را دریابد و گزارش دهد. پیشینه پژوهش هدفمند است؛ از آن رو که بر اساس هدف مطالعه مروری و معیارهای تعیین شده آن دنبال می‌شود؛ انتقادی است زیرا به بررسی نقاط ضعف و قوت مطالعات انجام شده می‌پردازد و خلأهای موجود را نشان می‌دهد؛ ترکیبی است چون محصول نهایی آن، برون نهاد/ سنتزی از یافته‌های مطالعات بررسی شده است.

تعاریف مشابه دیگر از پیشینه پژوهش ارائه شده که به ذکر دو نمونه از آن اکتفا می‌کنیم. "وبستر" و "واتسن" پیشینه پژوهش را مطالعه‌ای تعریف می‌کنند که پایه‌ای محکم برای پیشرفت دانش ایجاد و توسعه تئوری را تسهیل می‌کند؛ عرصه‌های تحقیق مازاد بر نیاز را می‌بندد و عرصه‌های نیازمند به تحقیق را کشف می‌کند (Webster and Watson in Levy and Ellis, 2006:182).

"جرارد" پیشینه پژوهش را مطالعه، تحلیل و نگارش سنتزی از کارهای پژوهشگرانه درباره موضوعی خاص می‌داند که بر فرضیه‌ها، روش‌های علمی، نتایج، نقاط قوت و ضعف مطالعه و تفاسیر و استنتاج‌های نویسنده تاکید دارد. سپس با اذعان به اینکه اصطلاحات پیشینه پژوهش/Literature review، مرور یکپارچه/Integrative review، مرور سیستمی/Systematic review و فراتحلیل/Meta-analysis به جای هم به کار می‌روند؛ ضمن برشمردن نقاط مشترکشان، تعاریفی جداگانه از آنها ارائه می‌دهد. وی تعریف پیشینه پژوهش را این‌گونه قرارداد می‌کند:

پیشینه پژوهش به تحلیل مواد علمی درباره موضوعی خاص گفته می‌شود که مستلزم خواندن دقیق هر یک از مطالعات برای ارزیابی هدف مطالعه، تعیین تناسب و کیفیت روش‌های علمی، بررسی تحلیل پرسش‌ها و پاسخ‌های نویسندگان، تلخیص یافته‌های مطالعات و نگارش برون نهادی بیطرفانه از آنهاست (Garrard, 2010:4-5).

## مبانی

از منظری معرفت‌شناسانه آنچه که می‌تواند مبانی برای اهمیت پیشینه پژوهش باشد آن است که شناخت ماهیتی بین‌الذهانی، تکاملی و انباشتی دارد. فرایند ارتباط بین پژوهشگران، جوششی متقابل است که هم‌افزایی علمی را در پی دارد. در عین حال، توسعه و پیشرفت علم وابسته به نظم و انتظام مطالعاتی است. این پیشرفت مستلزم آن است که از پراکنده‌کاری اجتناب شود و هر پژوهشی در جریانی سازنده از تاریخ پژوهش‌های علمی قرار گیرد. به بیان دیگر، بنای علم همچون پلکانی پیوسته و بالا رونده است؛ تنها و تنها اگر پله‌های این پلکان روی هم قرار گیرند؛ حرکتی "صعودی" را امکان پذیر می‌سازند. اگر این پله‌ها شناسایی نشوند امکان افزودن پله جدید بر این پلکان بلند وجود نخواهد آمد. تدوین و نگارش پیشینه پژوهش یا به تعبیر دیگر مرور ادبیات تحقیق چنین وظیفه‌ای خطیر را به عهده دارد. تدوین پیشینه پژوهش خود مطالعه‌ای مستقل است و نشان می‌دهد که انگاره یا موضوع در فرایند حیات خود چه چالش‌هایی را پشت سر گذاشته، چگونه و تا چه حد مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته، چگونه و با چه شکلی از معرکه آرا جان به در برده و دچار چه تغییر و تحولات و حیثاً دگرسی‌هایی شده است. واژه نظم برای پیشرفت علم، واژه‌ای حیاتی است چرا که پژوهشگران را ملزم می‌کند تا نخست به اکتشاف مسیر مطالعاتی پردازند و سپس خود را در این مسیر قرار دهند. این نظم از طریق تدوین پیشینه پژوهش تحقق می‌یابد. هم از این رو است که برخی "واحد"های علوم مختلف، برای ساماندهی فعالیت‌های پژوهشی و پدید آوردن امکان پیشبرد علم بوسیله "واحد" مربوطه و افزایش سهم علمی و پررنگ کردن نقش خود در ایفای این وظیفه به تدوین پیشینه پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی اقدام می‌کنند تا بتوانند در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فعالیت‌های پژوهشی خود را جهت‌دهی کنند. واقعاً، از نظر ما، یک مرکز پژوهشی زنده با مرور ادبیات و به روز نگه داشتن سابقه پژوهش‌های خود زنده است. هم از این رو است که توصیه می‌شود: در مرور ادبیات؛ پژوهشگر، ادبیات را به پرسش تحقیق خود پیوند بزند و نشان دهد که چگونه دانش موجود در حوزه مورد نظر را پشتیبانی می‌کند یا توسعه می‌دهد. همچنین باید نقادانه نقاط قوت و ضعف و از قلم افتادگی‌های ادبیات را پررنگ کند. بنابراین، زبان پیشینه پژوهش اغلب ارزیابانه است و دیدگاه‌های پژوهشگر را از ادبیات در ارتباط با پرسش خود نمایش می‌دهد (Ferfolja and Burnett, 2002).

نقش دیگر تهیه پیشینه پژوهش و مرور ادبیات، تسریع فعالیت‌های اصیل و جدید پژوهشی است. این پیشینه در واقع نمایشی منطقی از پیشرفت فکری است؛ بنابراین فرد باید فهم کافی و درک قوی از دانش موجود و کاربردهایش داشته باشد و سپس مرزهای جاری را در

جستجوی استفاده، گسترش یا تقویت آن دانش ارزیابی کند. این نکته باید بخوبی درک شود که تحقیق تخصصی در سطح تحصیلات تکمیلی، راجع به رویه‌های سیستماتیک است که منجر به کاربرد یا گسترش دانش می‌شود نه آنکه در باب کشفی لجام گسیخته، ناشی از کنجکاوی و فرصت طلبانه باشد (Toncich, 2006:138).

پژوهشگرانی که ایده‌های ناب و اصیل و ذهن‌های خلاق دارند معمولاً اندک فرصتی برای مطالعه همه یافته‌های جدید و مطالعات نو دارند. از این رو، تدوین و نگارش سابقه‌های پژوهشی و مرور ادبیات از سوی واحدهای دانشگاهی یا مراکز پژوهشی می‌تواند کمکی شایان به آنها برای صرفه‌جویی در زمان باشد. نقش نوشته‌هایی که تحت عنوان Literature review، Systematic review، Annotated bibliography، Working paper و ... که گاه در حد محدود و گاه به شکلی وسیع تر منتشر می‌شوند؛ در این راستا بسیار مهم است و توصیه می‌شود که دانشجویان دکتری قبل از شروع رساله دکتری حتماً شماری قابل توجه از چنین مقالاتی را مطالعه و مشاهده کنند.

نگارش مرور ادبیات، نقش انتظامی یا جامعه‌پذیری علمی نیز دارد. جریان پژوهش‌های علمی از طریق ایجاد گفت‌وگو - اغلب نامرئی - می‌تواند تحکیم «سلطه» جریان‌های غالب علمی را نیز پدید آورد. شاید این نگاه بدبینانه باشد اما نمی‌توان انکار کرد که تحکیم قدرت و تثبیت جریان‌های پژوهشی از طریق مرور ادبیات امکان‌پذیر می‌شود. مرور ادبیات از طریق هنجارسازی‌های روش‌شناسانه، روش‌های پژوهشی را به پژوهشگران جدید انتقال داده و آن را گسترش می‌دهد. معیارهای حقانیت، عقلانیت، صحت، صدق و کذب با تبدیل شدن به معیارها/استانداردهایی ویژه ترویج می‌یابد. گاه این معیارها و استانداردها، رژیم‌های حقیقت بر می‌سازند و جامعه‌پذیری علمی را در فضای "آکادمیک" محقق می‌سازند.

مرور ادبیات با قالب‌بندی گرایش‌های پژوهشی، موضوعاتی را به شهرت می‌رساند - یا حداقل مشهور بودن آنها را نشان می‌دهد؛ جریان‌سازی می‌کند یا جریان‌ها را شفاف می‌کند؛ صف‌بندی‌هایی را مطرح می‌کند و از این طریق موج هواداران و مخالفان را در میان پژوهشگران جوان تر به راه می‌اندازد. بدین‌سان به طرزی جالب توجه مرور ادبیات نقشی سیاسی می‌یابد و عرصه‌هایی جالب از مبارزه قدرت را به نمایش می‌گذارد.

در جلوه‌ای دیگر، این جریان‌سازی می‌تواند نقشی در تحقق منافع گروه‌های پژوهشی و مؤسسات بزرگ و کوچک تحقیقاتی نیز ایفا کند که در پی جذب بودجه‌های تحقیقاتی بخش عمومی یا کسب درآمد از بازار پژوهشی بخش خصوصی هستند. چنین جریان‌اتی البته به حوزه

پژوهش و موضوعات مختلف بستگی دارد و می‌تواند از کشف آب در یک سیاره<sup>۱</sup> تا مطالعات مربوط به دموکراسی در جهان سوم را دربرگیرد.

سلطه‌ای گفتمانی که مثلاً بوسیله مرور ادبیات "نظریه‌های چپ‌گرایانه انقلاب" ایجاد می‌شود و از طریق آن، نقش عوامل فرهنگی در انقلاب‌ها را ناچیز جلوه می‌دهد به همان اندازه که غیر واقع‌بینانه و غیرعلمی است می‌تواند نقشی سیاسی در ادبیات سیاسی دست دوم و هوادارانه و تبلیغاتی ایفا کند و به افزایش گرایش‌های هوادارانه چپ منجر شود. به همین سان قابل توجه است نقشی که مرور ادبیات تعارض دین و دموکراسی در ایجاد و ترویج گفتمان لائیسیت در جوامع جهان سوم و افزایش حمایت از قدرت‌های لیبرال دموکراسی دارد. پژوهشگری که مطالعه‌ای مستقل را در قالب سابقه پژوهش پیکربندی می‌کند فرصت تأمل عمیق در جریان‌های علمی شکل دهنده حوزه تحقیق را می‌یابد و با درک فراز و فرودهای صورت گرفته و علل آن، توان تمییز الزامات و ارزش‌های سیاسی-اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری نظریه‌ها را به دست می‌آورد.

اما همه اینها نباید سوءظن و بدبینی ساده‌لوحانه را در ما برانگیزد و به افراط منتهی شود تا علم و دانش را ابزار قدرت نرم بدانیم و به یکباره خیال خود را راحت کنیم و چوب تکفیر و گرز انکار را بجای قلم نقد بدست گیریم. بلکه با شناخت جوانب و پیامدهای آن و با ارج گذاری به این فعالیت پژوهشی آن را به کار گیریم و نقش تسریع‌کننده و نظم‌بخش و عالمانه آن را در کنار نقش‌های احتمالی انحرافی دیگر در نظر آوریم.

چنین فهمی به ما این قابلیت را می‌دهد که در عین آگاهی از تحولات صورت گرفته در حوزه علمی مورد نظر، به وجوه تشابه و تمایز موجود میان محیط بومی خود و محیط نشو و نمای نظریه پی برده و از آن برای حل واقع‌بینانه مسائل و نیازمندی‌های جامعه خود بهره گیریم. غور در چارچوب‌های روش شناسانه مطالعات صورت گرفته، روش‌هایی که پژوهشگران جوامع مختلف در پیش گرفته‌اند و نقاط ضعف و قوت آن را روشن می‌کند و به مثابه راهنمای روش شناسانه برای انجام پژوهش‌های بومی عمل می‌کند. این فرایند برای پژوهشگران تازه کار حکم کارآموزی دارد.

روایتی که "بوتولف" و "ژوسلین" از اهداف و دلایل نگارش پیشینه پژوهش دارند در بر دارنده مبانی مزبور است و نشان می‌دهد که چگونه پیشینه پژوهش می‌تواند جامعه‌پذیری علمی را جامعه عمل بپوشاند. آنها دلایل نگارش پیشینه پژوهش را چنین بر می‌شمارند:

<sup>۱</sup> یک پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا که با مطالعه یک تراشه سنگ توانسته است وجود آب را در مریخ نشان دهد می‌گفت که این کشف او از آن حیث جنبه سیاسی تبلیغاتی گسترده‌ای یافته است که از طریق آن مقامات علمی بتوانند به جذب بودجه‌های پژوهشی و توجیه بودجه‌های هزینه شده قبلی بپردازند.

۱. ارائه و توسعه تفسیرهای کلی برای تفاوت‌های مشاهده شده در پدیده یا رفتار (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...)
  ۲. شناسایی روابط بالقوه میان مفاهیم و شناسایی فرضیه‌های پژوهش پذیر؛
  ۳. یادگرفتن اینکه چگونه دیگران مفاهیم کلیدی را تعریف و اندازه‌گیری می‌کنند؛
  ۴. شناسایی منابع داده‌ای که پژوهشگران دیگر استفاده کرده‌اند؛
  ۵. توسعه و طراحی گزینه‌های پژوهشی بدیل؛
  ۶. کشف اینکه چگونه یک پروژه پژوهشی به کار دیگران مربوط می‌شود ( Buttolph and Joslyn, 1995:155).
- پیشینه پژوهش باید به طور انتقادی متونی را بررسی کند که به پرسش پژوهش مرتبط هستند نه اینکه صرفاً آنها را فهرست کند. فرمولجا و بورنت اظهار می‌دارند که صدای پژوهشگر، دیدگاه، موضع یا نظر اوست که باید در پیشینه پژوهش آشکارا قابل شناسایی باشد. از نظر ما این دیدگاه شکلی افراطی به خود می‌گیرد تا آنجا که این دو نویسنده اظهار می‌دارند که در نگارش پیشینه پژوهش توجه به دو نکته مهم است: اولاً، نویسنده باید موضع نظری/تئوریک خود را آشکارا و قوی اظهار کند؛ چرا که ارزیابی‌های نقادانه وی جزء لاینفک پیشینه پژوهش است. ثانیاً، زبانی که نویسنده بر می‌گزیند نگرش وی و نویسندگان دیگر به پرسش یا مسأله را بیان می‌کند (Ferfolja and Burnett, 2002).

## اهداف

یکی از مهم‌ترین اهداف پیشینه پژوهش، ساماندهی و ترسیم راهبردها و برنامه‌های پژوهشی برای دانشکده‌ها، بخش‌ها/واحدها و مراکز پژوهشی است. این اقدام، کارکردی مشابه نیز برای اهداف فردی پژوهشگر منفرد در بر دارد. هدف مهم دیگر آن است که پژوهشگر یا نهاد پژوهشی - موسسه تحقیقاتی - سهم یا آورده اصلی و اختصاصی خود را در فرایند رشد علم و دانش مشخص کند و این ممکن نیست مگر با نشان دادن سهم علمی دیگران و بیان تمایز خود از آنان و تصریح منحصر به فرد بودن خود. به بیان ساده، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آیا پرسش مورد نظر تاکنون بوسیله دیگران پاسخ داده شده یا خیر؟ اگر دیگران پاسخ داده باشند نیاز است که پرسش پژوهش یا مطالعه تغییر یابد یا اصلاح شود؛ به طوری که سهم اصلی ما شکل گیرد و بدین سان از تکرار کارهای دیگران (خودآگاه یا ناخودآگاه) جلوگیری شود (<http://www.tui.edu/current/phd/first/Ir.asp>). اما اگر پژوهشگر، پروژه پژوهشی را با فرضیه‌ای آغاز کند یا بخواهد روابطی را که قبلاً مشاهده شده است، توضیح دهد، مرور ادبیات کمک می‌کند تا با مطالعه مشاهدات مشابه بوسیله پژوهشگران دیگر به شناسایی

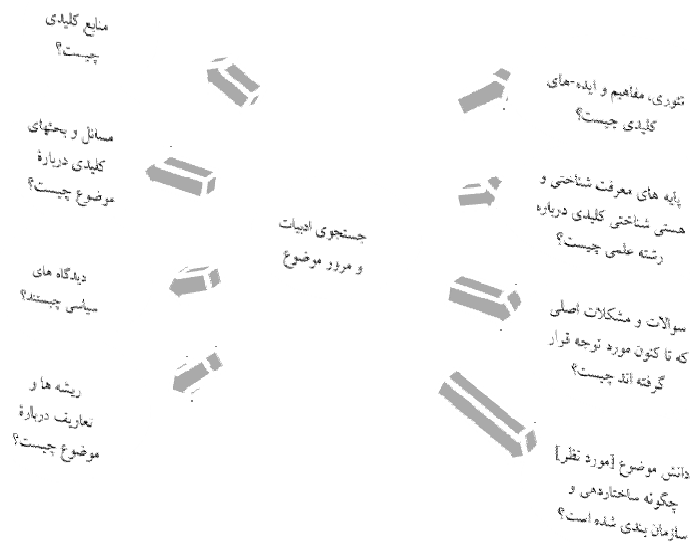


نظریه‌هایی بپردازد که پدیده مورد نظر را توضیح می‌دهند. به این ترتیب، می‌تواند به توسعه تفسیرهای کلی/عمومی روابط بپردازد. همچنین نگارش پیشینه پژوهش‌های رقیب و مرتبط، به افزایش اعتبار پژوهش کمک می‌کند و بر اهمیت فرضیه می‌افزاید. مرور متون باعث آگاهی از ارزیابی متغیرهایی جز متغیر مورد نظر پژوهشگر در طراحی پژوهش می‌شود. بررسی متون موجود امکان بسط یا محدود کردن تعریف مفاهیم پژوهش را طی مقایسه با تحقیقات انجام شده فراهم می‌آورد. همچنین اطلاعاتی ارزشمند درباره طرح‌های تحقیقاتی علمی، راهبردهای اندازه‌گیری و روش‌های جمع‌آوری داده ارائه می‌کند (Buttolph and Joslyn, 1995: 155-156). این اطلاعات به یافتن روش‌های جدید، تشخیص الگو یا الگوهای نظری مناسب با داده‌های پژوهش، محدود کردن مسأله پژوهش و تعریف بهتر آن کمک می‌کند (خورشیدی و قریشی، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۴).

در همین ارتباط، "تونسیچ" نیز شماری از اهداف انجام پیشینه پژوهش را به این شرح بر می‌شمارد:

- تعیین مؤسسات پژوهشی و پژوهشگران اصلی (برجسته) حوزه خاص؛
- تعیین نویسندگان اصلی (از طریق بیشترین نقل قول‌های ذکر شده از نویسندگان) در یک حوزه مطالعاتی؛
- تعیین عرصه‌های کلیدی که پژوهشگران اصلی کارشان را در آن حوزه ارائه می‌دهند؛ یعنی مجلاتی که ترجیح ارجاع‌دهی به آنان است؛
- مطالعه کارهای گروه‌های تحقیقاتی دیگر و مقایسه و مقابله ویژگی‌های مثبت و منفی آنها؛
- ملاحظه توصیه‌های پژوهشگران دیگر به عنوان مبنای روش‌شناسی‌هایی که برنامه تحقیقاتی تحصیلات تکمیلی را به جلو رانده‌اند (Toncich, 2006:96-97).
- روایت‌های گوناگون از اهداف پیشینه پژوهش کمک می‌کند که درکی بیشتر از موضوع داشته باشیم و این البته به خاطر اهداف آموزشی این مقاله برای دانشجویان است. "فر فولجا" و "بورنت" نیز اهدافی مشابه را بر می‌شمارند که ذکر آنها بر روشنگری بیشتر بحث می‌افزاید:
- نمایش توانایی پژوهشگرانه پژوهشگر برای شناسایی اطلاعات مرتبط و خلاصه کردن دانش موجود؛
- شناسایی شکاف و خلأ تحقیقاتی که مطالعه شما در صدد جبران و حل آن است؛ تثبیت موقعیت کار شما در بستر تحقیقات قبلی و ایجاد دامنه تحقیقاتی ویژه؛
- ارزیابی و ترکیب اطلاعات در راستای مفاهیمی که پژوهشگر برای پژوهش قرار داده.
- اقامه دلیل یا توجیه برای مطالعه شما (Ferfolja and Burnett, 2002).

برخی از پرسش‌هایی که مرور ادبیات می‌تواند پاسخ دهد



چگونه رویکردهای این سوالات فهم و دانش ما را افزایش می‌دهند؟  
(منبع: Hart, 1998:14)

## ویژگی‌ها

۱- هدفمندی: در تدوین پیشینه پژوهش، هدفمندی و جهت‌داری باید حفظ شود. این هدفداری از آن رو است که سیر تکاملی و پیشرفت و تحول موضوع (یا به عبارت دقیق‌تر پاسخ‌های یک پرسش) را دنبال کرده و گزارش می‌کند. مثلاً در پاسخ به این پرسش که علل وقوع انقلاب روسیه چیست؟ پاسخ‌های داده شده به آن را در روندی تاریخی (یا در قالب دسته‌بندی‌های موضوعی) بررسی و گزارش می‌کند. یا در پاسخ به این پرسش که علت مداخلات دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه چیست؟ پاسخ‌های داده شده به این پرسش را مثلاً در یک دوره زمانی ویژه گزارش می‌کند.

۲- بی‌طرفی در روش گزارش: بی‌طرفی یکی از چالش‌های ویژه علوم انسانی و بویژه علوم سیاسی است. نمی‌توان نگاه نظری و گرایش‌های اخلاقی یا نظری را از تحلیل و گزارش‌دهی حذف کرد؛ اما شاید بتوان در روش ارائه، بی‌طرفی را حفظ کرد. پیشینه پژوهش گزارش بی‌طرفانه تلاش‌های پژوهشگرانی است که در گذر زمان درباره موضوع پژوهش فعلی انجام داده‌اند. برای پرهیز از طرفداری نابجا، پیشینه پژوهش زنجیره اطلاعاتی ذیل را در مورد هر

مرجع مورد استناد ارائه می‌کند:

- کاری که پژوهشگر یا پژوهشگران انجام داده‌اند؛
- ارتباط اثر منتشره با برنامه پژوهشی فعلی؛
- پژوهشی که با اثر منتشره همبستگی دارد؛
- پژوهشی که با یافته‌های اثر منتشره تناقض دارد؛
- توازن کلی ایده منتشره در یافته‌های پژوهش (Toncich, 2006:161).

۳- نقد: یک پیشینه پژوهش ارزشمند، انتقادی است. از آن رو که صرفاً گزارشی خنثی ارائه نمی‌کند بلکه نقادانه تحقیقات دیگران را بررسی و گزارش می‌کند. اینجاست که پیشینه پژوهش از خلاصه نویسی فاصله‌ای جدی می‌گیرد. نقد نوشته‌های دیگران معطوف به استدلال‌ها، روش‌ها، داده‌ها و... است. در واقع پژوهشگر نباید شخصیتی منفعل و تسلیم داشته باشد؛ بلکه باید مبتکرانه و فاعلانه عمل کند و ضعف‌ها و قوت‌ها را مورد بررسی قرار دهد و عملاً به ارزیابی نوشته‌ها پردازد. البته می‌توان و باید به نقل انتقادات دیگران از متن مورد نظر نیز پرداخت تا بدین طریق تسلط خود را بر ادبیات موضوع نشان دهیم و باصطلاح «خود نمایی علمی» کنیم. خودنمایی علمی در اینجا بار منفی ندارد یا نباید داشته باشد؛ بلکه هدف این است که منازعات و مباحثات و مناظرات یا به عبارتی معرکه آرا را گزارش کنیم. باید نشان داد که پاسخ مورد نظر که از سوی نویسنده‌ای ارائه شده با چه چالش‌ها و مخالفت‌ها و موافقت‌هایی مواجه شده است.

۳- ترکیب: پیشینه پژوهش، تحلیلی ترکیبی است؛ به این مفهوم که نه تنها به نقل و نقد پاسخ‌های ارائه شده به پرسش اصلی ما می‌پردازد؛ بلکه گاه نیز می‌تواند آنها را ترکیب کند و از درون این روند تکاملی و نقدها و نقل‌ها به نتیجه‌گیری جدید پردازد. بدین سان، پیشینه پژوهش نوعی گزارش نویسی تکاملی، انتقادی و ترکیبی است. پس از شناسایی مهم‌ترین و جدیدترین منابع، پژوهشگر شروع به مطالعه کرده و پس از درک و فهم و خلاصه‌نویسی آنها گزارشی تکاملی، انتقادی و ترکیبی ارائه خواهد داد.

### فرایند

نگارش پیشینه پژوهش معمولاً از فرایند ذیل پیروی می‌کند؛ البته این مراحل خطی نیستند و ترتیب آنها واقعاً به پژوهش ما بستگی دارد: (Ferfolja and Burnett, 2002; The University of Melbourne, 2004)

۱. سؤال پژوهش‌تان را مشخص کنید. این امر در کمک به راهبری و چارچوب‌بندی

مطالعه شما ضروری است؛

۲. *اطلاعات مناسب را شناسایی و مکان‌یابی کنید.* از دایره المعارف یا کتاب راهنما برای تعریف مفاهیم کلیدی استفاده کنید. فهرست‌هایی از اصطلاحات و کلمات کلیدی هنگام جستجو تهیه کنید. فرهنگ لغت‌های تخصصی می‌توانند به شما کمک کنند. به تفاوت‌های ظریف بین کارها توجه کنید. اصطلاحات و مترادف‌های بدیل موضوع را هنگام جستجوی ادبیات به خاطر داشته باشید. جستجوی کاتالوگ‌های کتابخانه، پایگاه‌های داده، لوح‌های فشرده، انتشارات رسانه‌ای، نشریات پژوهشی و ... را مد نظر قرار دهید. این امر به رشته شما بستگی دارد؛

۳. *اطلاعات مشخص شده را بخوانید و به طور انتقادی ارزیابی کنید.* ضعف و قوت آن را در ارتباط با تحقیقتان بررسی کنید. نه تنها از اطلاعاتی که می‌خوانید بلکه از اندیشه‌ها و نظرات خودتان درباره این اطلاعات یادداشت برداری کنید. این امر به شما کمک می‌کند تا هنگام نگارش پیشینه پژوهش، آراء خودتان را با هم ترسیم کنید. خواندن سابقه‌های پژوهش رساله‌های دیگر فوق العاده ارزشمند است؛ زیرا آنها الگوهای ساختاری ممکن را برای پیشینه پژوهش فراهم می‌آورند. راهبرد دیگر، بررسی چگونگی انجام پیشینه پژوهش در مقالات مجلات است؛ گرچه اینها عموماً کوتاه تر هستند؛

۴. *مطالعات و یادداشت‌هایتان را بایگانی و ذخیره کنید.* از روشی مؤثر برای بازیابی سریع و آسان اطلاعات استفاده کنید. به یاد داشته باشید که تنها یک راه برای سازماندهی مواد خام شما وجود ندارد. مهم آن است که ادبیاتی را که یافته‌اید و جایی که آنها را ذخیره کرده‌اید؛ بدانید تا به سرعت و آسانی به آنها دسترسی یابید. از برنامه‌ای مانند Endnote<sup>1</sup> استفاده کنید تا شما را در سازماندهی و ذخیره یادداشت‌های مربوط به مطالعات انجام شده؛ کمک کند؛

۵. *ادبیاتی را که مشخص کرده‌اید، منتقدانه طرح‌ریزی، سازماندهی، بازنمایی کرده و بنویسید.* پیشینه پژوهش را با مقدمه‌ای درباره برجستگی و اهمیت آن شروع کنید. مختصری از محتوای مرور را تهیه کنید. بنا بر ادبیاتی بگذارید که بیشترین ارتباط را با مرور شما دارند. توانایی تلخیص و نقد مواد مرتبط را داشته باشید. مرحله طرح‌ریزی را دست کم نگیرید. داشتن درکی از سازماندهی کلی پیشینه پژوهش‌تان می‌تواند شما را در پیشبرد این فرایند کمک کند. برخی آن را در مراحل اولیه می‌یابند. ترسیم نمودارهایی از چگونگی متناسب شدن ادبیات با یکدیگر در فراهم آوردن «تصویری بزرگ» از اطلاعاتی که ترکیب می‌شوند بسیار مفید است؛

۶. *پیشینه پژوهش را دائم به روز کنید.* به یاد داشته باشید نوشتن پیشینه پژوهش تنها زمانی کامل خواهد شد که پژوهش تقریباً تمام شده باشد؛ زیرا تحقیقات و نشریات دائم تولید می‌شوند. پژوهشگر به طور مستمر به پیشینه اضافه می‌کند و احتمالاً بارها آن را از نو

<sup>1</sup> www.Endnote.com

می‌نویسد.

### رصد پژوهش‌ها و نهادینه شدن پیشینه پژوهش

در دانشکده‌ها و موسسات پژوهشی باید برنامه‌ای مشخص و مداوم برای رصد پژوهش‌ها وجود داشته باشد تا فرایند تجمیع شکل گیرد و از تکرار کارهای پیشینیان پرهیز شود. این برنامه پژوهشی شناسایی مجلات اصلی و فرعی در رشته‌های مرتبط، دسته‌بندی دستاوردها و پژوهش‌های آنها و به روز نگه داشتن مرور ادبیات و پیشینه پژوهش را در بر می‌گیرد. در این راستا ضروری است پیشینه پژوهش تضمین کند که:

- ارزیابی بی‌طرفانه از کارهای دیگران به عمل آورده است؛
- به اندازه کافی برای معلوم کردن تحقیقات برجسته مرتبط، حوزه‌های انتشاراتی کلیدی، مقاله‌های اصلی و ... کامل است؛
- توجیهی برای انجام پژوهش بر مبنای کارهای انجام شده قبل وجود دارد؛
- مرور ادبیات واقعاً به برنامه پژوهشی ما کمک می‌کند.

برای نیل به این اهداف، پیشینه پژوهش باید بیش از جمع‌آوری خلاصه کارهای پژوهشگران دیگر باشد. پیشینه پژوهش باید فرایند پالایش دقیقاً ساختار یافته‌ای از امتداد کار میان گذشته و آینده باشد. ساختار پیشینه پژوهش باید به گونه‌ای باشد که فنون پژوهشگر برای کشف سیستماتیک اثر مرتبط در حوزه‌های قابل مقایسه (یعنی پژوهش‌های برجسته، مقاله‌های اصلی) را نشان دهد و تحلیلی متوازن از آن ارائه دهد (Toncich, 2006:261-262).

امروزه با توجه به رشد فزاینده تولید مدارک علمی و انواع پایگاه‌های داده، نگارش پیشینه پژوهش با بهره‌گیری از روش شناسی مرور سیستمی صورت می‌گیرد. مرور سیستمی، ترکیب منظم و سیستماتیک و نقادانه پژوهش‌های موجود است و شامل تعریف هدف اصلی مرور، تعریف معیارهای ارزیابی نتایج، بازیابی سیستماتیک مطالعات مرتبط، خلاصه کردن اطلاعات کمی، خلاصه کردن مدارک (در صورت امکان با استفاده از روش‌های آماری مناسب) و تفسیر نتایج به دست آمده می‌شود (CEBP, n.d:2).

در نقشه جامع علمی کشور، رصد و پایش علم مورد توجه قرار گرفته و به تقویت و انسجام نظام اطلاعات علمی و فناوری کشور و ایجاد نهادهای رصد علم و فناوری اشاره شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱). نگارش پیشینه پژوهش باید به ساز و کار اصلی و منظم آنها تبدیل شود و قابلیت‌های دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور برای انجام آن بسیج شود.

## منابع و مأخذ:

## الف. فارسی:

۱. پریخ، مهري؛ فتاحي، رحمت الله (۱۳۸۴)، راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، تهران: کتابدار.
۲. تک زارع، نسرين (۱۳۷۵)، راهنمای نگارش و ارائه پایان‌نامه و گزارش تحقیق و مقالات علمی، تهران: تیمورزاده.
۳. حکمتی، پرویز؛ قاسمی، علی (۱۳۸۵)، راهنمای تدوین پایان‌نامه‌های تحلیلی و تحقیقی از آغاز تا دفاع و نگارش مقالات علمی، تهران: تورج محمدی.
۴. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، چاپ سوم، تهران: بازتاب.
۵. خورشیدی، عباس؛ قریشی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، راهنمای تدوین رساله و پایان‌نامه تحصیلی (از نظریه تا عمل)، تهران: یسپرون.
۶. دلاور، علی (۱۳۷۶)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ دوم، تهران: رشد.
۷. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: فرزانه روز.
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، نقشه جامع علمی کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. طبیبی، جمال‌الدین؛ ملکی، محمدرضا؛ دلگشایی، بهرام (۱۳۸۸)، تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی، تهران: فردوس.
۱۰. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۱)، روش تحقیق و تدوین رساله دکتری، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.

## ب. خارجی:

1. Buttolph Johnson, Janet; Joslyn, Richard A. (1995), **Political Science Research Methods**, Third Edition, CQ Press.
2. CEBP, **Systematic Review and Meta-analysis**, an updated version of a paper, which appeared as Li Wan Po A. Evidence-based pharmacotherapy, *Pharmaceutical Journal* 1996; 256: 308-312. Retrieved from: [www.aston.ac.uk/pharmacy/cebp](http://www.aston.ac.uk/pharmacy/cebp).
3. Ferfolja, T., Burnett, L. (2002), **Getting Started on your Literature Review**, The Learning Centre, UNSW.
4. Garrard, Judith (2010), **Health Sciences Literature Review Made Easy: the Matrix Method**, Third Edition, Jones & Bartlett Learning, LLC.
5. Hart, C. (1998), **Doing a Literature Review: Releasing the Social Science Research Imagination**, Thousand Oaks, Sage.
6. Levy, Yair, Ellis, Timothy J. (2006), "A Systems Approach to Conduct an Effective Literature Review in Support of Information Systems Research", *Informing Science Journal*, Volume 9, pp.181-212.
7. The University of Melbourne (2004), **Doing a literature Review: a Research Guide**, Retrieved from: <http://www.unimelb.edu.au>.
8. Toncich, Dario (2006), **Key Factors in Postgraduate Research: a Guide for Students**, Published by Chrystobel Engineering.
9. Union Institute and University, **Literature Review**, Retrieved from: <http://www.tui.edu/current/phd/first/lr.asp>.

## از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"تحلیلی بر رفتار انتخاباتی نسل‌های اخیر در غرب"، سال ۷۳، شماره ۳۱؛ "علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران"، سال ۷۶، شماره ۳۷؛ "بومی کردن علوم سیاسی در ایران"، سال ۷۹، شماره ۴۷؛ "مهندسی سوال: راهنمای عملی طرح سوال پژوهش"، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ "مبانی هنجاری سیاست‌گذاری امور

خارجی آمریکا"، سال ۸۲، شماره ۵۹؛ "سیاست خارجی نظم نوین جهانی آمریکا"، سال ۸۲، شماره ۶۱؛ "پژوهش با فرضیه آغاز می شود نه با پرسش!"، سال ۸۳، شماره ۶۵؛ "آسیب شناسی دولت الکترونیک: تحول غیردموکراتیک در سیاست گذاری عمومی"، سال ۸۴، شماره ۶۹؛ "سیاست گذاری نوآوری: عوامل جغرافیایی و اقتصادی مؤثر بر نوآوری های تکنولوژیک"، سال ۸۵، شماره ۷۳؛ "رابطه قدرت سیاسی - دیوانی و بودجه (مطالعه موردی موافقت نامه بودجه جاری نهاد ریاست جمهوری)"، سال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۸۶؛ "رهیافت نهادی در سیاست گذاری نوآوری تکنولوژیک"، سال ۳۸، شماره ۱، بهار ۸۷؛ "سیاست های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی"، سال ۳۸، شماره ۴، زمستان ۸۷؛ "کارآمدی و منزلت نخبگان: بررسی منزلت روحانیت در بین جوانان"، سال ۳۹، شماره ۳، پاییز ۸۸؛ "ملاحظات در باب «سیاست های کلی نظام» و توصیه های سیاستی برای نظام سیاست گذاری در جمهوری اسلامی ایران"، سال ۴۰، شماره ۱، بهار ۸۹.